غیار ... ذرّه ذرّه خاک را از خالق جبارست فصل عالمین جمع عالمست
پنج و چارست در تو جباری، ما کن خاک شو تا بنگری ذرّه ذرّه خاک را از خالق جبارست
و عالم نیز جمعیست که او را از لفظ او واحدی نیست مانند انام و رهط و مانند آن و بتحقیق عالم جمعیست موضوع برای مجموع احاد
نه برای احاد مجتمعه و ایراد صیغه جمع با آنکه واحد وی عام است از وی برای احاطه باشد بر اصناف اجناس مخلوقات را
و واو و نون برای تغلیب اولو العلم است از ملایکه و ثقلین بر غیر ایشان و وزن عالم فاعل است که اسم آلت بود و اشتقاق او
از علامت است که بمعنی نشانه باشد و علم را که نشانه لشکر است از اینجا گرفته اند پس عالم باسرها نشانه ایست از آفریدگاری
حضرت باری بیت هر ذرّه از ذرّه که بینی آیتی است :: کز قدرت خدای نشانی و بدترا :: جمعی گویند که عالم مشتق است
از علم و هو ما یعلم به الخالق همچنانکه خاتم چیزیرا گویند که سبب مهر آلت او باشد عالم نیز آنرا گویند که موجدان بدان دانسته
شود و سبب معرفه صانع باشد چنان موثق که اهل استدلال راهست یعنی هر مصنوعی از ظهور اثر صنع در وی عالم کرد لند
مشاهده خود را بوجود صانعی که مصنوع ساخته قدرت و پرداخته فطرت اوست چنانچه هر بنای دلیلیست بر وجود بنا پس بوجود
مخلوقات استدلال توان کرد بر ایجاد و صفت او و بحدوث عالمیان بقدم حضرت او و ظهور موجودات بر مبانی حاجات
وبلیست بر ارادت او و بنظام عالم برتستی مخصوص بر مانی و بر علم و حکمت از استجابت دعا و نیازمندان دلیل روشنست
بر سمع و اجابت او و عجز بندگان از رد قضا و قدر علامتی و اضح بر جلال عظمت او و نقص عزایم و نقض همم نشانه است
و نفاذ امر و مشیت او و انقیاد عالمیان در قبضه تقدیر و تسخیر شش نمونه از اثر غلبه و مالکیته او و حرمان جهد کنندگان ودلالت
کند بر قبض و هیبت و سعت حال بی هنران خاکی باشد از بسط و منت او و مهلت کاذبان و فاجران و فروگذاشتن عاصیان
و جافیان اشارتست بعلم و رافت او و افتقار شاه و نقیر و احتیاج صغیر و کبیر رمزی از بی نیازی جلالت او و هم چراز او
و هر چه نظر کنند و از هر چه خبر یابند بدان و از آن بر یکی از صفات کمال حضرت ذو الجلال است استدلال توان نمود
پس همه حال هستی عالم و عالمیان دلیل ایجاد و ابداع اوست و وجود جهان و جهانیان علامت انشا و اختراع او هر برگی
که بر شاخسار نهال عالم نشو و نما یافته ورقیست از آیه معرفه پروردگار برو مرقوم شده چنانکه سعدی رحمة الله اشارت بدین معنی نموده است
بیت برگ درختان سبز در نظر هوشیار :: هر ورقی دفتریست معرفه کردگار فصل عالمین در قرآن بر دو وجه آمده است
اول انس و جن قال لِیَكُونَ لِلْعَالَمِینَ نَذِیرًا دوم آدمیان قال تعالی بَارَكْنَا فِیهَا لِلْعَالَمِینَ سیم جماعتی که بعد از
نوح بخواهند تا قیامت قال تعالی سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِی الْعَالَمِینَ چهارم جمعی که در زمان موسی علیه السلام بودند غیر بنی اسرائیل قال الله تعالی
أَنِّی فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِینَ پنجم گروهی که در زمان لوط بودند قَالُوا أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِینَ ششم غربا قال الله تعالی
أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِینَ هفتم اهل کتاب از یهود و نصاری قال الله تعالی وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِینَ هشتم مؤمنان
قال تعالی وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِینَ نهم منافقان أَوَلَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِی صُدُورِ الْعَالَمِینَ دهم کل مخلوقات قال الله
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ و از انبیاء تن خدایرا بنام رب العالمین یاد کرده اند ابراهیم علیه السلام آنجا که گفت فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِی

إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِینَ دیگر موسی و هرون آنجا که فرمودند إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِینَ دیگر نوح و هود و صالح و شعیب علیهم السلام
آنجا که گفتند إِنْ أَجْرِیَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِینَ دیگر حضرت پیغمبر ما آنجا که فرموده وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ
و از اولیا هابیل حضرت ملک جلیل را بدین صفت ذکر کرد إِنِّی أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِینَ و سحره فرعون نیز بتلقین الهام غیبی
همین نام بر زبان راندند آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِینَ ایزد سبحانه و تعالی ذات بر کمال خود را برین صفت ستایش کرد
فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ و مستان بزرگوار سید مختار را فرموده که مرا بدین نوع ثنا گوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
ای درویش ابراهیم خدایرا بدین نام بخواند آتش بروی گلستان شد تو نیز متابعت او کن تا گلستان از آتش عقبی بر تو آسان گردد
موسی و هرون مواظبت برین نام کردند از ضرر فرعون و هامان ایمن گشتند و اگر تو نیز مداومت نمایی از شر نفس و شیطان
امان یابی نوح از میان این نام بسفینه نجات رسید تو نیز از فواید آن بسکینه یقین و ثبات برسی هود را بدین نام
راه هدایت نمودند ترا نیز بقوت آن بسر منزل عنایت فرود آرند صلاح حال صالح بکارسازی این ثنا بود صلاح کار تو نیز
بکارسازی این ستایش است لوط از مکاید اهل مؤتفکات پناه بدین نام برد تو نیز از مخاوف آفات و عاهات التجا
بدو کن پیمانه خیرات شعیب از برکات این نام بجزای تمام مملو شد میزان عمل تو نیز از استیفاء عوائد او بنقود قبول
صفت کمال پذیرد سرور انبیا بذکر این نام خلعت فتح و نصرت یافت ابواب فتوح نیز بمفتاح فیض او بر روی آرزوی تو منفتح
گردد بیت فتح از وجوه گشاینده اوست :: نصرت از او خواه که بخشنده اوست :: زهی سعادت امتی که گفتار ایشان
ذکر رب العالمین است پروردگار ایشان الله رب العالمین است کلام منزل ایشان إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِینَ است پیغمبر مرسل
بدیشان وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِینَ است مژده رحمت ایشان وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِینَ است و درین آیه اضافه
کرد اسم الجمله مخلوقات که گفت رب العالمین و در آیه دیگر خاص کرد و نسبت با امت محمد کرد و فرمود ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ اول اضافت بعموم
کرد مقتضای تعظیمست مر ذات او را یعنی کیست از من بزرگتر موجودات همه ملک من اند در ملک عبودیت من و در ثانی که
مضاف باخص ساخت تعظیم بندگان خاص اوست یعنی کیست از شما بزرگتر پرورش ظاهر و باطن شما از اثر ربوبیت من
کرم الهی بین که گاه میگوید شما از آن منید گاه میفرماید من از آن شماام بدین دو کلمه مبانی بیم و امید را استحکام میدهد ای بندگان شما
از آن منید تبرسید از دایره بندگی قدم بیرون منهید ای عاصیان من از آن شماام نا امید دل را شرده امید واری دهید
بیت با ترس بیم باش که عشقیست بیم کن :: امیدوار باش که بسیست دلنواز فصل عالمین عبارتست از آسمان
و زمین و آنچه میان آسمان و زمین است از مخلوقات بدلیل آنکه فرعون از موسی علیه السلام پرسید وَمَا رَبُّ الْعَالَمِینَ در جواب گفت
رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا گفته اند عالمین اهل زمین اند بقوله تعالی وَأَنِّی فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِینَ و گویند عالمیان
روزی خوارانند و بعضی برآنند که عالمین عبارتست از جماعتی که قابلیت پرورش دارند تا معنی ظاهر مستفاد از اسم رب که
تربیت است اینجا بوجه اکمل ظهور یابد و اکثر علما برآنند که عالمین اولو العقل و العلم اند یعنی ملایکه و جن و انس امام محمد نسفی رحمة الله در شرح

Copyright © King Saud University